



اندیشه‌ی امروز ایران - ۱۰

کودتای ایرانی

۲۸ مرداد، قرنی، نوژه

مارک گازیوروسکی

ترجمه‌ی بهرنگ رجبی



نشر چشمه

فهرست

۷ مقدمه‌ی مترجم
۱۱ یک: کودتا
۱۳ عملیاتِ تی‌پی‌بدامن سی‌آی‌ای و کودتای ۱۳۳۲ در ایران
۳۹ کودتای سال ۱۳۳۲ علیه مصدق
۸۳ ماجرای قرنی و سیاست ایران
۱۰۹ ماجرای نوژه و سیاست ایران
۱۳۵ دو: کودتا؟
۱۳۷ کمک‌های اطلاعاتی ایالاتِ متحد به ایران، اردیبهشت تا مهر ۱۳۵۸
۱۵۹ اقدامات مخفیانه‌ی ایالات متحد در قبال ایران، بهمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸
۱۹۳ پی‌نوشت‌ها
۲۴۷ نشانی مقاله‌ها
۲۴۹ نمایه

عملیات تی‌پی‌بدامن^۱ سی‌آی‌ای و کودتای ۱۳۳۲ در ایران

درآمد

در اسفندماه ۱۳۳۱ دوايت آيزنهاور^۲، رئيس جمهور ايالات متحده، به سازمان اطلاعات مرکزی این کشور (سی‌آی‌ای)^۳ اجازه‌ی برنامه‌ریزی برای انجام کودتایی علیه محمد مصدق داد، نخست‌وزیر وقت ایران که گرفتار نبردی صعب با بریتانیای کبیر بر سر اداره‌ی صنعت نفت ایران بود. مقام‌های سی‌آی‌ای متوجه شدند ناگزیرند برای اجرای نقشه‌ی کودتا، عمده‌ی اتکای‌شان را روی عوامل اطلاعاتی موجودشان در داخل ایران بگذارند. آن زمان سی‌آی‌ای داشت چندین عملیات اطلاعاتی در ایران انجام می‌داد که هدف اصلی و کانون تمرکز همگی شان هم پیکار با اتحاد جماهیر شوروی و هم پیمانانش بود، از جمله شان حزب توده‌ی ایران. فراگیرترین این عملیات‌ها اسم رمزی تی‌پی‌بدامن داشت، عملیاتی که شبکه‌ای وسیع از عوامل ایرانی و همچنین نیروهای خُرده‌پا را برای انجام تبلیغات و اقدامات سیاسی علیه اتحاد جماهیر شوروی و حزب توده در بر می‌گرفت. مقام‌های سی‌آی‌ای تصمیم گرفتند این شبکه را علیه مصدق بسیج کنند و از قابلیت‌ها و امکانات تبلیغی‌اش، برای تضعیف تکیه‌گاه مردمی او پیش و پس از کودتا و همچنین از نیروهای مختص اقدامات سیاسی‌اش برای کمک در انجام خود کودتا استفاده کنند. شبکه‌ی نیروهای تی‌پی‌بدامن نقشی مهم در کودتایی ایفا کرد که روز ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ اتفاق افتاد، اگرچه نقش آفرینان دیگری هم در ماجرا دخیل بودند. (۱)

اگرچه به عملیاتِ تی‌پی‌پدامن در چندتایی از پژوهش‌ها درباره‌ی کودتای سال ۱۳۳۲ اشاراتی شده، از جمله پژوهشِ خود من، هیچ شرح مفصل و باجزئیاتی از آن انتشار عمومی نیافته. (۲) این مقاله شرحی از عملیاتِ تی‌پی‌پدامن به دست می‌دهد و توضیح این است که این عملیات چرا آغاز شد، در گستره‌اش چه فعالیت‌هایی انجام شد، و نقش در سرنگونی مصدق چه بود. این شرح هم به کار توضیحِ برخی پس‌زمینه‌ها و جزئیاتِ کودتای سال ۱۳۳۲ می‌آید و هم به تفصیل به انواع فعالیت‌هایی می‌پردازد که سی‌آی‌رای در نخستین سال‌های تأسیسش و در اوج دوران جنگِ سرد انجام می‌داد.

سی‌آی‌رای هیچ‌گاه اطلاعاتی در موردِ تی‌پی‌پدامن منتشر نکرده و احتمالش نمی‌رود در آینده‌ای نزدیک هم چنین کاری بکند. هیچ اسناد و مدارک در دسترس و منابعِ مکتوبی وجود ندارند که جزئیاتِ چندانی در موردِ این عملیات به دست بدهند. این گزارش عمده‌تاً مبتنی است بر گفت‌وگوهای محرمانه‌ای که من با نُه افسرِ بازنشسته‌ی سی‌آی‌رای انجام دادم که یا آن زمان با این عملیات همکاری داشتند یا از طریقی با آن آشنایی داشتند. من بیش‌تر این گفت‌وگوها را در اواسطِ دهه‌ی هشتاد میلادی [اواسطِ دهه‌ی شصتِ شمسی] انجام دادم؛ آن زمان دیگر گفت‌وگوشوندگانِ برخی جزئیات را فراموش کرده بودند. الآن همه‌ی آن‌ها مُرده‌اند و همین مانعی بود پیش‌اروی من برای انجامِ گفت‌وگوهایی دوباره با آن‌ها برای نوشتنِ این مقاله. عملیاتِ تی‌پی‌پدامن ماهیتاً مبتنی بر تفکیکِ بخش‌های گوناگون کار و سپردنِ هر کدام به جمعی بود، و همین به‌ناگزیر اطلاعاتِ گفت‌وگوشوندگانِ طرفِ صحبتِ من را از کلیتِ عملیات محدود می‌کرد. نتوانستم با چندتایی از افسرانِ اصلی و مهمِ سی‌آی‌رای حرف بزنم که در این عملیات همکاری داشتند. تلاش‌های گسترده‌ای کردم تا صحبتِ اطلاعاتِ کلیدی هر کدام را به واسطه‌ی گفته‌های یک یا تعدادی بیش‌تر از گفت‌وگوشوندگانِ دیگر محک بزنم. این تلاش‌ها من را به این نتیجه رساند که هیچ‌کدامِ گفت‌وگوشوندگانِ شاخ‌وبرگ‌هایی الکی به روایت‌های‌شان نداده‌اند یا قصد نداشته‌اند گمراهم کنند. جز در مواردی که اشاره شده، صحبتِ همه‌ی جزئیاتِ مهمِ ارائه‌شده در مقاله را همین‌گونه سنجیده‌ام. با این حال، به دلایلی که اجمالاً این‌جا مطرح کردم، روایت‌م از عملیاتِ تی‌پی‌پدامن نهایتاً قدری کلی و ناقص باقی می‌ماند.

زمینه‌ی تاریخی

در نبرد قدرت میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در دوران جنگ سرد، ایران عرصه‌ی مهمی بود. سال ۱۳۲۰ نیروهای بریتانیا و شوروی حمله‌ی مشترکی به ایران کردند تا بتوانند در جریان جنگ دوم جهانی، مسیری برای تأمین و تدارک نیازهای روس‌ها بسازند. در طول جنگ، نیروهای شوروی شمال ایران را کماکان در تصرف خود داشتند و بعد پایان جنگ هم حاضر به دست کشیدن از این مناطق نشدند. به عوض این کار، در نیمه‌ی دوم سال ۱۳۲۴، به پا گرفتن «جمهوری‌های خودمختار»ی در شمال غرب ایران، استان‌های آذربایجان و کردستان، میدان دادند؛ تلاشی آشکار برای استقرار دولت‌هایی اقماری در ایران، به سان حکومت‌هایی که همان زمان در اروپای شرقی و همچنین آسیای شرقی سر برآورده بودند. مقام‌های ایالات متحده به شدت مخالف این تحركات و پشتیبان تلاش‌های حکومت ایران برای بازپس‌گیری زمام این استان‌ها بود، اتفاقی که بالاخره سال ۱۳۲۵ افتاد. حزب توده از آن جمهوری‌های خودمختار طرف‌داری می‌کرد و از این طریق سرسپردگی‌اش را به اتحاد جماهیر شوروی نشان می‌داد. اگرچه بعد درهم شکستن آن جمهوری‌ها به شدت از محبوبیت حزب کاسته شد، توده کماکان محبوب‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین حزب ایران در سال‌های متعاقب باقی ماند. مقام‌های ایالات متحده عمیقاً بابت حزب توده نگرانی داشتند، چون شوروی پشتیبانی‌اش می‌کرد و همان استراتژی «جبهه‌ی مردمی» ای را برای تسخیر قدرت پی می‌گرفت که سال ۱۹۴۸، حزب کمونیست چکسلواکی به کار بسته بود. به علاوه، با شدت گرفتن جنگ سرد در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ [اواخر دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی] و مشهودتر شدن چشم‌انداز درگرفتن جنگ جهانی میان ابرقدرت‌ها، مقام‌های امریکا هر دم نگران‌تر می‌شدند که نکند نیروهای شوروی به ایران حمله کنند. نگرانی اصلی‌شان این بود که مسلط شدن شوروی بر ایران، چه از طریق قدرت‌گیری حزب توده و چه به واسطه‌ی حمله، ممکن است دست‌غرب را از منابع نفتی خلیج فارس کوتاه کند، منابعی که به چشم آن‌ها برای منافع امنیتی غرب «حیاتی» بود. (۳)

به‌رغم این دلواپسی‌ها، حضور و دخالت‌های ایالات متحده در ایران طی چند سال نخست بعد جنگ دوم جهانی، به دو دلیل اصلی محدود ماند. یکم، فکرو ذکر مقام‌های امریکایی به شدت درگیر وضعیت اروپا و آسیای شرقی بود، جاهایی که اتحاد جماهیر